

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

محک باستانی

۲۶ سپتمبر ۲۰۱۱

## بهتر می بود اگر گفتمانیان

### فاتحه برهان الدین «ربانی» را برگزار می کردند

گرچه تصمیم گرفته بودم که چندینات "مسقره دربار" را دیگرمورد تبصره قرارندهم زیرا به هر حال سایت بدنام شان میدان خیزوجست خودشان است و اختیارشان هرچه می گویند و هرچه می نویسند؛ و اختیار هرکسی که با قبول کسرشان بازهم با آن همکاری می نماید. ولی آخرین نمایشنامه "مسقره- مسخره- دربار" که در اثر فرو رفتن بیشتر درگودال متعفن ظالم ستانی و وطنفروش پرستی، از سطح "لوده گک پاکدل" به "مسقره دربار" امپریالیست ها (با پیشکارگی سایت بد نام گفتمان) ترفیع نموده است، مرا به آن داشت تا بازهم متأسفانه وقت گرانبهای خود را صرف تبصره برکارروائی های شرم آوردست اندرکاران آن سایت بدنام نمایم.

مگر قبل از آغاز سخن از دو هموطن محترمی که با یاد از من و دفاع از موضع من درباره سایت بدنام گفتمان ابراز نظر نموده اند، صمیمانه تشکر می نمایم. این خود نشان می دهد که مبارزه من به ضد «دموکراسی» طلبان گمناشته غرب و «چپ» نماهای عوامفرب، مبارزه ای بیپوده نبوده بلکه پژواک آن وقتاً فوقتاً به گوش می رسد؛ و نوای نی خودی از هستی و دوام نیستانی درپهنای مبارزه به حق مردم ما نوید می دهد.

"مسقره دربار" که در اول با دفاع بیشرمانه از یک پرچمی رسوا و جانی (صمدازهر) ، نه به خود روی و آبروماند و نه هم به آنهایی که در پشت پرده نخ هایش را تکان می دهند، متعاقب ناپدیدشدن پرچمی جنایتکار از صفحه سایت بدنام گفتمان ، برای کفاره «گناهان» خود به یک بارگی سنگ عزای قربانیان ۳ حوت کابل را به سینه زد، به آستان درمسال ها جبین سائید، دفعتاً وبدون کوچکترین دانش ژورنالیستی، به خیرنگار آزاد استحاله شد و گزارشات مکرر راجع به همه چیز و هیچ چیز از منابع رسمی داخل و خارج جمع نموده دردیگ گدوله سایت بدنام گفتمان به خورد خوانندگان داد تا از درک «خبرنگاری» حیثیت دوباره کمائی نماید. ولی بازهم خود به دست خود آنهمه زحمات خود را بر باد داد. و آن اینکه بازهم در دفاع از یک جانی دیگر (ولومرده)، در برابر قاطبه ملت موضعگیری کرد.

«مسقره دربار» با این نمایشنامه مضحک و گنبدیده خود، طعن، لعن و نفرین هزاران هموطن پاک نهادما، اعم از بیوه و یتیم را به جان خرید. آیا خرابه های کابل که برهان الدین «ربانی» و برادر دینی همدست وی (گلبندین) همراه با «بزنچشیر»، رشید دوستم، حزب وحدت، سیاف و دیگر جنگ سالاران و دلالان بیگانه مسوول آن بودند، هرگز عرق شرم بر جبین این دلک خود فروخته و بی ننگ و حامیان وی جاری نساخت؟ این گماشته بی کله شعبات جاسوسی بیگانگان که خود را «انسان» نام گذاشته بود، آیا شمه ای از انسانیت داشت تا از اظهار تسلیم برای خانواده و همدستان یک قاتل خلق ما، خودداری نماید. اگر این ظاهرأ «لوده گک پاکدل» از جنایات برهان الدین «ربانی»، از زراندوزی های وی به قیمت کشتار هزاران هموطن ما، از قاجاق احجار قیمتی و داشته های تاریخی (از طریق برادران شورای نظار) و دهها جنایت دیگر آن عنصر مفسد فی الارض خیر نمی داشت، باز هم می توانستیم بروی ببخشیم که به خاطر همان عیبی که دارد، مسوول بوده نمی تواند. ولی از آنجائی که وی توسط عده ای در پشت پرده استعمال می شود، خاموش ماندن در برابر این گونه بی احترامی وی در برابر ملت اخوان گزیده ما، واقعاً نا بخشودنی خواهد بود.

آنچه را عده ای یا متوجه نیستند و یا هم خود را به اصطلاح به «کوچه حسن چپ» می زنند اینست که در عقب «مسقره دربار»، عناصر دیگری اند که برای حفظ «سنگینی» و دوام عوام فریبی خود، هر آن رجزی را که خواسته باشند در دهن «مسقره دربار» گذاشته و از وی به عنوان «بلندگوی» خود کار می گیرند. از این نگاه، «مسقره دربار» واقعاً قابل ترحم است. هر کس دیگری که به جای وی می بود تا حال به خود می آمد ولی این «بی زبان» چنان به کار گرفته می شود که دیگر هیچ امیدی برای نجات از گودال بدنامی دائمی باقی نخواهد ماند. کدام شخص عاقل از موجود جانی و بدنامی چون برهان الدین «ربانی» دفاع نموده و در مرگش اشک می ریزد؟ به نظر من، به جای آنکه «مسقره دربار» در محضر عام، به نمایندگی از «سپنناها» فغان و واویلا راه انداخت، بهتر بود تسلیم نامه ای پراحساس از طرف سایت بدنام گفتمان با آب و تاب (با امضاء و شست مسوولین آن) نشر نموده و در یکی از مساجد، مراسم فاتحه آن جانی هم قماش شش گانه دیگر را اعلام می نمودند. مگر «دموکراسی» غیر از این است؟ این ها که سالها «دموکراسی» به «نفع» مردم را تبلیغ نمودند... و سپنتا آن را به ثبوت رساند!!، مگر چه عیبی داشت که مراسم فاتحه یک دشمن سوگند خورده خلق ما را دائر نمایند؟ این ها که «مسقره دربار» مسلماً بدون اشاره و صوابدید شان نمی توانست به چنان غلط بزرگی اقدام نماید، به تاسی از «دموکراسی» که سالها تبلیغ نموده اند، نه تنها قادر به برگزاری غمشریکی با اخوانی های جمعیتی و شورای نظاری اند بلکه بدنامی و رسوائی شان به آن حدی رسیده است که دیگر این گونه اقدامات کاملاً طبیعی به نظرشان خواهد آمد.

به تعقیب کشته شدن «ربانی»، طرفداران وی، به خصوص منسوبین شورای نظار و در پیشاپیش آنها عبدالله عبدالله، شعار ضد امریکا و ضد کرسی بلند نمودند. همه می دانند که درد عبدالله عبدالله در رابطه با کرسی از چه درک است؛ در غیر آن همین امریکا است که عبدالله عبدالله، کرسی و گفتمانی ها را در یک نقطه گرد آورده، دولی خود را بردوش آنها مشترکاً حمل می کند. ولی گفتمانی ها گویا «چپ» هستند و هیچ گاهی با اخوان و اخوان بوی ضد «دموکراسی» در یک آبشخوار سرپائین نخواهند کرد... رویدادهای اخیر، هر چند هم گفتمانی ها نیروهای واقعاً چپ را «چپ» بنویسند، خلاف آن را به اثبات رساند. گفتمانی ها آنقدر از غمشریکی با بازماندگان و همدستان «ربانی» منفعل هستند و می دانند که باز هم مرتکب شرم آورترین خیانت دیگری شده اند که از قبل واکنش منفی به ضد خود را پیش بین بوده، مردم ما و دشمنان مردم ما را در یک ردیف قرار داده، همه من جمله خود با داران «ربانی» رادشمن «ربانی» وانمود کرده اند و از قبل به همه می گویند که ما «بیباکانه» (بخوانید بیشرمانه) به منسوبین «ربانی» تسلیم می گوئیم،

«دست تان آزاد». اعتقاد من این است که به غیر از عناصری که عمیقاً با جنایتکاران در زد و بند بوده و تعهدات متقابل داشته باشند، هیچ هموطن شریفی حاضر نخواهد بود چنین رسوائی و بدنامی تاریخی را داوطلبانه و خوش به رضاء برای خود بخرد.

دست اندرکاران سایت بدنام گفتمان که بارها از زبان نماینده رسوای خود، شناخت و «دوستی» با شخصیت انقلابی چون مجیدکلکانی رابه عنوان «سند تبرئه» خود به رخ هموطنان کشیده و با قاتلان مجید و مجیدها به سازش و همکاری ننگین پرداختند، امروز درسوگ قاتل دیگر یاران مجید - جانبختگان سامانی - نشسته و «ربانی» جمعیتی راکه دستانش تا مرفق درخون سامانی ها سرخ بود، باعزاز و اکرام یاد نموده و به روح خبیثه وی درود می فرستند.

آیا هنوز هم کسانی خواهند بود که به کذب ادعاهای گفتمانیان ملتفت نشده باشند؟ امید آنهایی که حیثیت و آبروی خود را بالاتراز آلوده شدن در خیانت های این مشیت جانی پرور می بینند، بیش از این به «آسیاب» تبلیغاتی اینها «آب» نینداخته و در صف دفاع واقعی از توده های مظلوم بایستند.